

يك ابتكار جالب و خلاق

به مناسبت سالگرد زلزله در گیلان و زنجان

نقوین زمین

هنوز از مورگ خونین رفیقان
من دلم خون بود،
هنوز از پریپرصدما
شکفته نوکل صحوا
به دسبت فتنه جوی باد
فروغ دیده گلگون بود،
چه بود این ناکهان؟
این تیرچرکین از چه روی آمد؟
زمین با بشف دیرینش،
چرا این بارهم،
اندوه دوران را
به بام خانه مان افشاند؟
و یاران شقایق را
در آن خارت زده نفرین خراب آباد،
به داغ سینه سوز تازه ای بنشاند؟

کتون ای سوزمین خامشم، ایران را
فتاده پایمال قنادر و توفان را
اگرچه فصل فصلت
موسم سوگ و پریشانی است،
اگرچه بند استخوانت
داستان مورگ و ویرانی است،
اگرچه در دل هر قریه و شیرت
هزاران رودبار تیر و خون جاری است،
به دیگر باره این آواز می خوانم
و بی تردید می دانم؛
که خواهد رست در بافت
نهال آتشین برگی
چو باد قامت زنده بگورادت
وروزی میوه خواهد داد
درخت اتحاد دست های نامردانت.

ب - سروای

دخستین نشست نمایندگان منتخب اعضا و هواداران حزب در آلمان فدرال، اتريش، بلژیک، بریتانیا، برلین، سوئد، فرانسه و نیز نمایندگان هواداران حزب در آمریکا که در ۶ و ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ به دعوت تشکیلات خارج از کشور برگزار شد. يك ابتكار جالب و اقدام مفید به موتسی بود. زیرا نمایندگان منتخب اعضا و هواداران، مهمترین و عاجل ترین مسایل مربوط به زندگی درون حزبی را که در پنجم فروردین ماه ۱۳۶۹ پیرامون آنها بحث و بررسی شد و نتایج مفیدی به دست آورده بود، در نشست دو روزه خود مورد بحث و بررسی خلاق قرار دادند و می توان به جرأت گفت که به نتایج مثبت زیادی هم رسیدند.

ادامه در ص ۲



ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۵۰، دوره هشتم، سال هفتم، ۷ خرداد ۱۳۷۰

"انتخابات آزاد" چگونه و از چه راهی؟

"انتخابات آزاد" در چه شرایطی؟ "انتخابات آزاد" بر اساس کدام قانون اساسی؟ "انتخابات آزاد" با چه تضمینی؟ آیا با وجود عملکرد همه جانبه اصل عمیقاً ارتجاعی "ولایت قتیبه" و با حکمروایی فردی به نام "ولی قتیبه" به عنوان جانشین خدا در روی زمین و پیروی بدون چون و چرا از اوامر وی، اصولاً می توان از "انتخاب" سخن به میان آورد تا چه رسد به "انتخابات آزاد"؟

عده ای از خوانندگان نامه مردم می پرسند: چرا "نامه مردم" در بحث پیرامون شمار "انتخابات آزاد" شرکت نمی کند؟ آری ما در این شماره نظر داده ایم. اما، در بحث و جدل کنونی شرکت نکرده ایم. علت به نظر ما، روشن است. آنچه معنا و مفهومش عیان است، حاجتی به بیان ندارد. ولی بحث، و در مواردی، خارج از موضوع، آنهم با نسخه برداری از دیگر کشورها هنوز ادامه دارد و بناچار ما هم باریکری به آن بازمی گردیم. ما عادت داریم تحلیل رویدادهای ایران را با توجه به ویژگیهای جامعه ایران و داده های ساختار و تناسب نیروها بررسی کنیم و مستقیم فقط در این صورت می توانیم به نتیجه مطلوب برسیم. بررسی و تحلیل درباره "انتخابات آزاد" بلافاصله پرسش های گوناگونی را در برابر تحلیل گر می گذارد: "انتخابات آزاد" در چه شرایطی؟ "انتخابات آزاد" بر اساس کدام قانون اساسی؟ "انتخابات آزاد" با چه تضمینی؟ آیا با وجود عملکرد همه جانبه اصل عمیقاً ارتجاعی

ادامه در ص ۲

روز جهانی کودک

جهان است. در حال حاضر حدود ۸۰ میلیون کودک بین ۱۰ تا ۱۴ ساله به کار در کارگاهها و... اشتغال دارند. خرید و فروش کودکان در اکثر کشورهای جهان از جمله در کشورهای رهنیافته صفتی رواج دارد. طبق

ادامه در ص ۲

۱۱ خرداد روز جهانی کودک است. در نوامبر سال ۱۹۸۹، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک را به تصویب رساند. افزون بر این اعلامیه جهانی بتمام تکامل و حمایت از کودک نیز وجود دارد. هدف همه این اعلامیه ها راستاد حمایت از دهها میلیون کودک گرسنه و برهنه و بیمار در سراسر

در دیگر صفحات:

تجاوز به حقوق بشر در

"آزاد" ترین کشور دنیا

ص ۲

دگرگونسازی

و سوسیالیسم ص ۴ و ۵

"نظم توین" در منطقه یعنی آزادی، دموکراسی، صلح، تأمین امنیت خلقها و عدالت اجتماعی!

یک ابتکار جالب ...

هرکت کنندگان در نشست پس از بحث و بررسی مشکلات درون حزبی در مهاجرت و با توجه به نظرات هسته های حزبی، منتشر شده در نشریه مسائل حزبی، پیشنهاد کردند که اعضا و هواداران حزب در مهاجرت، با در نظر گرفتن شرایط مشخص کنونی، باید در جهت تسریع تدارک کنگره سوم حزب مصوب پلنوم فروردین ماه، کمک به یافتن پاسخ به مسائل گری، افشای سیاست رژیم ضد خلقی، همبستگی با مبارزه مردم برای لجات جان زندانیان سیاسی، سازماندهی دموکراتیک در حرمه های گوناگون، فعالیت کنند.

به عقیده آنها تشکیلات خارج از کشور باید کار پیشبرد اتحاد وسیع نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک در جبهه واحد را، زیرسماز آزادی، دموکراسی و صلح پیگیرانه دنبال کند. در گزارش نشست گفته می شود که فعالیت در خارج از کشور، تأییدکننده ای که کنگره سوم اساننامه جدیدی تصویب نکرده، در چارچوب اساننامه موجود حزب و بر اساس اصل مرکزیت دموکراتیک سازماندهی خواهد شد.

هرکت کنندگان در نشست خواهان بسیج اعضا و هواداران حزب برای تقویت امور مالی حزب و نیز کمک به "نامه مردم" و مجله "مسائل حزبی" شدند و تمهید کردند که "پول آبروگان ارگان مرکزی حزب و کمک های مالی را حداکثر هر سه ماه یک بار" به پردازند.

رقتا پس از تبادل نظر جدی پیرامون کنگره سوم و با تکیه بر مصوبه پلنوم فروردین ماه، خواهان تشکیل پلاواسطه کنگره سوم حزب شدند و از هیئت اجرایی مصرانه خواستند تا در نخستین اجلاس آتی خود با تشکیل کمیسیون تدارک کنگره که خواست اعضای کمیته مرکزی نیز در پلنوم فروردین ماه بود، مرکب از اعضای هیئت اجرایی و کادرهای حزبی، گام عملی در جهت تسریع برگزاری به موقع کنگره سوم حزب بردارند.

در قطعنامه نشست، به درستی خاطر نشان می شود که با توجه به مهلت تعیین شده از جانب پلنوم فروردین ماه ۶۹ کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نظر می رسد که هیئت اجرایی زمان اندکی برای تدارک و برگزاری کنگره دارد و باید تدابیر عاجل در این باره اتخاذ کند. نخستین نشست نمایندگان منتخب اعضا و هواداران ساکن در تعداد زیادی از کشورها کام بسیار

مؤثر و مهم در جهت اجرای مصوبات پلنوم فروردین ماه کمیته مرکزی در راه نوسازی حزب بر پایه مراعات دموکراسی درون حزبی است. رقتا با طرح پیشنهادی گوناگون نشان دادند که آماده اند به شکل فعال و خلاق در تعیین سرنوشت حزب مؤثر اقتند. این وظیفه فرد - فرد ماست.

تجربه مؤید آنست که هیچ مشکلی را نمی توان بدون شرکت و همکاری همه جانبه اعضا و هواداران حزب، حل کرد و راه نوسازی حزب را در شرایط سخت و دشوار مبارزه سختی هموار ساخت. حزب متعلق به همه ماست و به همین دلیل نیز همه ما باید بدون استثناء در پیشبرد مقاصد آن دست به دست هم دهیم.

پیشنهادهای نشست ۶ و ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ نمایندگان منتخب به مشابه بازتاب اراده اعضا و هواداران حزب نقش مهمی در سیر آتی فعالیت حزب خواهد داشت. ما تردیدی نداریم که همه رقتا در مهاجرت از این ابتکار خلاق پشتیبانی خواهند کرد و در راه تحقق پیشیدن به تک تک مواد پیشنهادی نشست کوشا خواهند بود. نباید از نظر دور داشت که خواست هسته های حزبی در داخل کشور نیز حل عاجل مشکلات حزب از طریق تسریع تدارک کنگره سوم حزب است.

"انتخابات آزاد" ...

ما بیستاً مخالفان هرگونه بنیادگرایی و استبداد در اشکال مذهبی و غیرمذهبی است، انجام داد؟ در رژیمی که طبق ماده ۲ قانون مطبوعاتش "رسالت مطبوعات را در پیشبرد رهنمودهای ولایت قتیبه... و ترویج و تبلیغ فرهنگ اسبیل اسلامی" خلاصه می کند و یا "شورای نگهبان" آن عملیاتی نامزدی نمایندگی مجلس را در تمهید به اسلام ناب فتماشی، تمهید به جمهوری اسلامی و نظام امامت و قناعت، بینش عمیق سیاسی پرمبنای اصول مکتبی و... می داند، "انتخابات آزاد" فاقد مضمون و محتوا نخواهد بود؟

در چنانچه ای که رئیس جمهورش در نخستین جلسه دولت به وزرای منتخب "مجلس" و ظاهراً تابع "مجلس" می گوید، "کسانی که نظر رهبری را می دانند" نباید "مخالف نظر ایشان" کاری انجام دهند و هشدار می دهد تا "بعد از این افراد مواظب باشند و در محدوده نظرات رهبری حرکت کنند" و می افزاید "حرکات ما در نظام اسلامی که پایه و اساس آن ولایت قتیبه است، ومشروعیت کار ما ناشی از حضور ولایت قتیبه است" و نه مردم و نه مجلس شورای منتخب آن، "انتخابات آزاد"، حتی در صورت تحقق نمی تواند درد اصلی طرد دیکتاتوری قرون وسطانی پراساس "ولایت قتیبه" را درمان کند. در کشوری که آیت الله طالقانی را به جرم دگراندیشی سربه نیست و آیت الله شریعتمداری را خلق مقام مذهبی کرد و آیت الله منتظری را فقط به خاطر اعتراض خفیه، آنهم به برخی از اعمال ضد بشری رژیم از کار برکنار ساختند و اطرافیان وی را به قصد زهرچشم گرفتن، به جوخه اعدام سپردند و یا روانه زندان کردند،

در کشوری که تحمل فعالیت حتی یک سازمان سیاسی - مذهبی را ندارند و نویسندگان نامه به رئیس جمهور رژیم را دستگیر می کنند و برای اثبات "حقانیت" خود باز به شوهای تلویزیونی اعتراضات متوسل می شوند، در کشوری که به هنرمندان اجازه تشکیل اتحادیه صنفی نمی دهند، چگونه می توان شمار "انتخابات آزاد" را مطرح و پیرامون آن بحث کرد؟

ما تاکنون نظرات گوناگونی در بحث های پیرامون این شمار خوانده ایم. شرکت کنندگان در بحث، عمدتاً، می گویند تا دیدگاههای خود را در پوشش شمار "انتخابات آزاد" مطرح سازند. برخی ها این شمار را دستگیره ای برای فاصله گرفتن از نظرات سوسیالیستی خویش به کار می برند، برخی دیگر می خواهند با بحث درباره آن، موضع خود درباره "قدرت سیاسی" را مطرح کنند. عده ای شمار "انتخابات آزاد" را در کنار "سرنگون کردن رژیم" می گذارند. هستند پژوهندگانی که می گویند از تجربه کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی استفاده کنند و یا آنچه درشیلی و... گذشت معیار قرار دهند.

ما در اینجا وارد بحث در خل و عوامل از هم پاشی سوسیالیسم در کشورهای اروپای شرقی نمی شویم. دراین مورد در اسناد و مدارک رسمی حزب سخن بسیار گفته شده است. نمونه شیلی قابل بررسی است، گرچه برخی ها قضاوت درباره آن را زودرس می دانند و می گویند، باش تا صبح دولتش بدمد... به باورما، مبارزه در همه کشورها دارای فراز و نشیب بوده و خواهد بود. جاده مستقیم و هموار برای رسیدن به دموکراسی وجود ندارد.

"انتخابات آزاد" در شرایط حکمروایی استبداد در شیلی محصول سه عامل عمده بود و نباید آنها را به دست فراموشی سپرد و یا

نادیده گرفت. مبارزه در راه دموکراسی در شیلی از نخستین روز استقرار حاکمیت عمیقاً فاشیستی پیونوشه آغاز و تا به امروز ادامه دارد. همه جهان شاهد نبرد خونین احزاب و اتحادیه های کارگری علیه رژیم بودند. اعتصاب های عظیم کارگری وتظاهرات خیابانی با وجود یورش های وحشیانه ارگان های سرکوبگر رژیم، آنی تسلیم نشد. موضوع بسیار مهم دوم، فعالیت متعدد و پیگیر مهاجران سیاسی وابسته به احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون در خارج از کشور برای جلب همبستگی افکار عمومی جهان در جهت دفاع از مبارزان داخل کشور بود. از جمله زیر فشار افکار عمومی جهان بود که پیونوشه مجبور شد تا بازگشت آزاد مهاجران سیاسی و فعالیت علنی احزاب و اتحادیه های کارگری را خیلی قبل از "انتخابات آزاد" به پذیرد. وقتی در شیلی "انتخابات آزاد" آغاز شد که همه احزاب سیاسی اپوزیسیون درباره برنامه عمل مشخص به توافق رسیده بودند.

از مجموعه آنچه گفته شد می توان یک نتیجه گرفت، "آزادی انتخابات" فقط یک عنصر از آزادی های دموکراتیک است و بدون دستیابی به آزادی احزاب و سازمان های سیاسی، آزادی بیان و قلم و ایجاد سندیگاهها و جمعیت ها و... غیر ممکن است. کمیته مرکزی حزب توده ایران با در نظر گرفتن جو حاکم در میان اپوزیسیون رژیم معتقد به انسجام نیروها پیرامون شمارهای آزادی و دموکراسی و صلح و طرد رژیم "ولایت قتیبه" است. بدون این گام نخست، "آزادی انتخابات" مقدور نخواهد بود. بدون تأمین وحدت عمل همه نیروهای سیاسی مخالف رژیم در جبهه واحد ما به سه عامل عمده پیشگفته مؤثر در شیلی و صادق برای همه کشورهای دارای رژیم های دیکتاتوری نیز، دسترسی نخواهیم داشت. □

جنازه به حریق بشر در جمهوری اسلامی ایران بی وقته آذینه دارد. تقریباً روزی نیست که عده ای را محاکمه نکنند، به جرمه اعدام بفرستند و یا به انواع بیانه ها دستگیر و زندان نکنند. سبیده دم روز سه شنبه هفته گذشته، نیروهای سرکوبگر رژیم دواب انجمن تحکیم وحدت دانشجویان اسلامی را شکسته، چندین دانشجو را دستگیر و اموال و اسناد انجمن را به غارت بردند. به دنبال این اقدام پلیسی رژیم دانشجویان عضو انجمن به تظاهرات دست زدند و علیه "اسلام آمریکایی" شعار دادند.

پوروش به انجمن تحکیم وحدت دانشجویان در زمانی سورت می گیرد که، سردمداران رژیم با یوق و کوزا به جهانیان اعلام می دارند در ایران آزادی نایب اسلامی وجود دارد و "حقوق بشر اسلام قحطانی" عالی ترین سطح دموکراسی در جهان است. در محاکم این "پوشت آزادی" بیش از ۲ میلیون و ۱۷۵ هزار و ۲۷۱ نفره پرونده وجود دارد. اکنون براین، در دادسرای سازمان قضائی نیروهای مسلح ۱۷۹۷۲۲ نفره پرونده و در دادگاههای سازمان قضائی نیروهای مسلح ۶۶۰۲۵ نفره پرونده موجود است. محتوای این پرونده ها برای امدی معلوم نیست. چرا در دادسراها و دادگاههای نظامی نیروهای مسلح بیش از ۲۰۰ هزار پرونده تشکیل شده است؟

این ارقام را یزدی، رئیس قوه قضائیه رژیم در مصاحبه مطبوعاتی ارائه داشت. اما، وی نکنت چند قتره از این پرونده ها متعلق به زندانیان سیاسی است. در این اواخر علاوه بر زندانیان سیاسی اعضای احزاب و سازمان های سیاسی و سیاسی - مذهبی، تعداد زندانیان معمم دگراندیش و مخالف نظرات روحانیون حاکم هم در زندان ها رویه فزونی گذارده است. آخرین گروه از این دست، تعدادی از روحانیون حوزه علمیه قم به نام "گروه مرجعین" بودند. یزدی در گفتگویی مطبوعاتی در پاسخ به علت گرفتاری و اعدام برخی از آنها گفت: "متهمان این گروه... دعاوی انحرافی داشتند و معتقد بودند که مردم را از قید و بند خدا آزاد کنند و یک سری مسائل انحرافی دیگر نیز داشتند که بر جرم اشاعه فعل انحرافی و اعمال خلاف قانون و شرع محاکمه و عده ای از آنان به اعدام و بقیه نیز به

چنین محکوم شدند". این اظهارات رئیس قوه قضائیه رژیم مادیت حکومت استبداد مذهبی را بار دیگر نشان می سازد. در حالی که آنان رفسنجانی یا کف بر دماغ از وجود آزادی در جمهوری اسلامی سخن می گویند و سخنرانی های نمایندگان مجلس را به حتران گرفته عرقه می دارد و از

به کتبه یزدی، تمام تلاش قوه قضائیه، اسلامی کردن صد درصد دستگاه قضائی است و به همین سبب، کمیسیون تظلمات حکومتی در بخش نیروهای دولتی زارتش دستگاه قضائی قرار گرفته است. نیازی به توضیح درباره این کمیسیون نیست و سرمایه داران حرکت کننده در جلسه "نیروها" حتی این

جنازه به حریق بشر در آزادی ترین کشور دنیا

تذکرات رئیس قوه قضائیه را مدنظر قرار خواهند داد.

اسلامی کردن دستگاه قضائی معنایش روشن است، عدم تبعیض از توائین و موازین حقوقی مورد پذیرش و احترام در جوامع دموکراتیک. درست به این دلیل رفسنجانی در مصاحبه منسل خود با "اطلاعات" درباره آزادی احزاب و سازمان ها و پلورالیسم سیاسی ونظری کلمه ای بر زبان جاری نداشت. وی حتی به "گروههای فشار" حتی داد تا علیه آزادیخواهان مبارزه کنند. آیا تضمینی وجود دارد که "ایرانیان مقیم خارج" پس از بازگشت به جرم اشاعه فعل انحرافی حلقی آویز نشوند؟

ما ، دو اقدام ضد انسانی اخیر رژیم حاکم - اعدام دگراندیشان روحانی و پوروش و غارت انجمن تحکیم وحدت دانشجویان مسلمان - را که با ابتدائی ترین اصول آزادی منافات دارد، شدیداً محکوم می کنیم. این دو عمل یاردیگر نشان داد که نباید به ادعاهای میلقان درباره تغییر خصلت عمیقاً ارتجاعی و ضد دموکراتیک رژیم باور کرد. وظیفه همه ما - نیروهای اهورزیسیون - در خارج از کشور، افشای جنایات رژیم در برابر افکار عمومی کشورهای غربی است. ما روی این موضوع به ویژه تکیه می کنیم. نباید به تبلیغات برخی از دولتمردان غرب به نفع دولت رفسنجانی کم بها داد.

*** ** *

"ایرانیان ساکن خارج" می خواهند تا به کشور بازگردند و درباره تقریب هرچه بیشتر رژیم ضد دموکراتیک، استین ها را بالا بزنند، حمله به دگراندیشان یا همان شیوه های اعمال دیکتاتوری مذهبی ادامه دارد.

ما می پرسیم، چرا محاکمه "گروه مرجعین" علنی نبرد و به چه علت نظرات آنها در دسترس عام قرار نگرفت؟ چگونه می توان به وعده های رفسنجانی باور کرد و به کشوری بازگشت که در آن انسان ها با قتل به جرم آزاداندیشیدن در حرض چند دقیقه محاکمه و سپس اعدام می کنند؟ چگونه می توان در جامعه ای بی ترس و وحشت زندگی کرد، که در آن حتی انجمن های اسلامی مورد پوروش ارکان های سرکوبگر قرار می گیرند؟

یزدی در گفتگویی مطبوعاتی می گوید: "علنی بودن دادگاهها با رواسی دادگاههاست". چرا؟ مگر در قانون اساسی همین رژیم حاکم، علنی بودن دادگاهها تاکید نشده است؟ یزدی این حقیقت را می داند و به همین سبب بلافاصله بی شرمانه می گوید: "اکثر دادگاهها علنی برگزار می شوند". این دروغیست آشکار. زیرا، اکثر دادگاهها در بسته اند. اصولاً در جمهوری اسلامی انسان ها را حتی بدون محاکمه اعدام می کنند. مردم ایران شب های خونین فاجعه ملی را که طی آن صدها نفر را تیرباران کردند، هیچ گاه فراموش نخواهند کرد.

کودکانی که از جنگ جان سالم بدر بردند به انواع بیماری های عصبی دچار هستند. عدم توجه رژیم حاکم به نسل آینده، هزاران کودک را به منجلاب فساد کشانده و می کشاند. کودکان کارگر حتی از مزایای محدود و اندک قانون کار و بیمه های اجتماعی هم محرومند.

حمایت از کودکان و مبارزه برای نجات آنان، پیوند تنگاتنگ با نبرد علیه رژیم "ولایت قیه" و در راه آزادی و دموکراسی دارد.

صدها هزار تن بالغ می شود. در جمهوری اسلامی میلیونها کودک در کارگاههای قالی بافی و در دیگر کارگاههای صنعتی و مزارع به شدت استثمار می شوند. تعداد زیادی از این کودکان در شرایطی شیب به بردگی و بیکاری اجباری اسرار ماشینی می کنند. نرخ بیسوادی در بین کودکان تا ۱۲ ساله به علت نرخ بالای افزایش جمعیت روبه فزونی است. رژیم ضد خلقی، دهها هزار کودک ایرانی را قربانی سیاست "جنگ - جنگ تا پیروزی" کرد. اکثر

روز جهانی ...

آمار رسمی ۲۰ میلیون کودک در کوچه ها و خیابان ها زندگی می کنند. روزانه ۴۰ هزار کودک از گرسنگی و بیماری می میرند.

در کشور ما، میلیونها کودک به علت فقر خانواده ها در سرحد مرگ زندگی بسر می برند. تعداد کودکانی که در نتیجه سوءتغذیه و نبود بهداشت و درمان به هلاکت می رسند، سالانه به

مبارزه مشترک در راه نجات جان کودکان را سازمان دهیم!

دگرگونسازی و سوسیالیسم

— دگرگونسازی برای چیست؟ و چه هدفی را تعقیب می کند؟
 — نوسازی چه چیزی و به چه معنا؟
 — تطهیر کردن چه چیز؟

عقیده دارند که دگرگونسازی در عمل نه در سمت حرکت به سوی تکامل سوسیالیسم، بلکه به سوی سرمایه داری است. ایراد اصلی آنها تمناد سوسیالیسم با بازار، صفت شد سوسیالیستی فعالیت کار فردی، خانواده ای و کنوپراتوری، مالکیت در نتیجه ارائه روابط منظمه و اجاره، و نابود ساختن ارزش های سوسیالیستی است بدان معنی که برای رونق کار به انگیزه های مادی نه ایدئولوژیکی توجه شده و قهره.

روشنفکران دارای روحیه انتقادی فکری می کنند به اینکه ما تاکنون دیوار از جاده ساختمان سوسیالیسم منحرف شده ایم (در ایام استالیسیسم و در ایام رکود اجتماعی). حال چه شکلی وجود دارد که در آینده دگرگونسازی نیز به عنوان نوعی از انحراف از جاده سوسیالیستی شناخته نشود؟ در این باره، روشنفکران درخواست ارائه دلیل را دارند.

به نظر می رسد که دیگر استاد به ترفنی که از جانب کلاسیک ها درباره سوسیالیسم آیم در نیم قرن و یا حتی یک قرن پیش داده شده است، کافی نباشد. اکنون آن گونه سیمانی از آن باید ظاهر گردد که این سیستم را از سرمایه داری عادلانه تر و از لحاظ اجتماعی جذاب تر کند. این در وهله نخست از آنجا ناشی می شود که تکامل و آسایش و خوشبختی انسان از ارزش های سوسیالیسم است. و. ای. لنین سوسیالیسم را نه تنها به معنی سازمان دادن تولید سوسیالیستی بر طبق برنامه، بلکه به معنای سازمانی با هدف تامین "خوشبختی کامل و تکامل آزادانه همه افراد جامعه" می دانست.

(لنین، مجموعه آثار، جلد ۶، صفحه ۵۲)

به نظر من، مشخصات ضروری سوسیالیسم به قرار زهرند:
 - نابودی کامل فقر و پربرد بیکر وضع زندگی مردم؛

کرده و این ارزشی نباید به طور مصنوعی دراماتیزه و یا آرایش داده شود. اکنون شاید دیگر بتوانیم ثابت شده تلقی کنیم که انحراف جامعه شوروی از مسیر جاده تکامل و عدالت سوسیالیسم، در سال های اواسط دهه بیست شروع و در اواسط دهه سی شانه یافت. این نظر، برقرشیه سستی که باور داشت گویا سوسیالیسم "صدمات" عبارت است از سیمای اصولی سوسیالیسم پایه گذاری شده تا اواسط دهه سی در اتحاد شوروی، خط بطلان می کشد.

همچنین اعلام اینکه در اواسط دهه هفتاد، سوسیالیسم پیشرفته وجود داشته نیز ناصحیح بود. این چه نوع "سوسیالیسم پیشرفته"ای بود که در آن جامعه در حال رکود بود، اقتصاد آن از هم می پاشید، ثروت اجتماعی آن توسط مافیای حیف و میل می گردید، سطح زندگی زحمتکشان هرچه بیشتر سقوط می کرد و محیط زیست رو به نابودی می رفت؟ به همین سبب، ضرورت تغییر بنیادی در مسیر تکامل اجتماعی فوراً گردید. بدین سبب بود که رهبران نوین کشور شمار "سوسیالیسم بیشتر و بهتر" را ارائه دادند. ماهیت اجتماعی دگرگونسازی عبارت است از بازگشت جامعه از جاده فساد انحصار دولتی به شاهراه لنینی ساختمان سوسیالیسم دموکراتیک با در نظر داشت نیازهای فرد و باهدف نوسازی روابط اجتماعی و پاکیزگی آنها از انحرافات و ناصحالی ها ...

شرایط برای تکامل سوسیالیسم، هنوز سوسیالیسم نیست

چه "صدماتی" برصحت راه نوین برگزیده شده وجود دارد؟ پیرامون درج تغییرات، دوندع نظریه متضاد داریم. آگاهی که دارای روحیه محافظه کارانه اند و طرز تفکر آنها صستی است

به این پرسش ما پس از شناخت جای دگرگونسازی در جریان فراگیر ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، می توان پاسخ داد. می توان به این امر برخورد دوگانه کرد. یکی این که بگوئیم دگرگونسازی، تغییری در روابط اجتماعی به منظور گذار جامعه به مرحله کیفیتا نوین بالاتری از تکامل است. آشکار است که چنین چیزی می باید چند مرحله را دربرگیرد و چندین دهه به طول انجامد. با این طرز برخورد، جوهر اجتماعی دگرگونسازی، تالذاده ای تیرگی خواهد داشت و مانع از آینده تکرری و اداره جریان خواهد شد.

طبق نظریه دوم، دگرگونسازی نوعی تغییر در خط سیر حرکت جامعه است. مشمول اصلی این مرحله عبارتست از ترک مسیری که کشور را به حالت رکود درآورده برد و ورود به جاده تکامل پویای پیش گراش برپایه اصول علمی - لینی و اجتماعی - اقتصادی پیشرو. دگرگونسازی زمانی تکمیل خواهد شد که جامعه حرکت در مسیر اصول نوینی را آغاز کرده و با آن همگام گردد و این ۱۰ الی ۱۵ سال طول نخواند کشید. این تصور از ماهیت دگرگونسازی، به ما اجازه می دهد که وظایف را مشخص فرموله کرده و تحقق آن را به طرز مؤثر زیر نظر قرار دهیم.

لزوم تغییر بنیادی در مسیر تکامل جامعه به این مناسبت که مسیر گذشته چیزی مصنوعی و ناپای بود. تنها ذکر این نکته که بیسودن جاده تاریخی سابق ما را به بیراهه کشانیده کافی نیست. لازم است، پاسخ دهیم که این جاده ما را به کجا هدایت کرد و جامعه شوروی در طی ۲۰ سال گذشته و با حتی پیش از آن در چه جهتی کام پروری داشت، در چه مراحل از این گذار ما به جاده سوسیالیسم نزدیک تر شدیم و در چه مراحل از آن منحرف گردیدیم؟ ضرورت منطقی ایجاب می کند تا در حله معاصر تکامل سوسیالیسم در اتحاد شوروی را ارزیابی

از بین بردن استثمار مستقیم بعضی از گروههای اجتماعی به وسیله گروههای دیگر، پائین آوردن همه اشکال درآمد بدون کار تا به حداقل، توزیع اجتماعی عادلانه درآمد ملی برحسب سهم کار هر عضو جامعه؛

- اختلال سطح دموکراسی، استمرار حکومت واقعی خلق؛

- رشد گسترده اشکال گوناگون خودگردانی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، با در نظر گرفتن منافع هرگروه و قشر اجتماعی؛

- برابری سیاسی و فرهنگی همه ملت ها، نابودی شورونیسیم خلق های بزرگ و ناسیونالیسم خلق های کوچک، گسترش مناسبات ملی و بین المللی؛

- ایجاد فرصت همه جانبه برای تعلیم و تربیت و رشد فرد، اعتلای سطح فرهنگی و انقلاقی مردم و برقرار نمودن روابط اجتماعی دارای صلحت انسانی؛

- فرمانروایی اکید قانون و عدالت در محاکم، رشد وسیع اشکال گوناگون تسمیمات اجتماعی و مراعات دقیق حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک.

هرگاه در جریان تکامل جامعه، مشخصات پیشکنته مراعات گردند این بدان معناست که جامعه به سوسیالیسم نزدیک تر می شود. اما در صورتی که این مشخصات چشمگیر نباشند، دیگر نمی توان از سوسیالیسم نام برد. اما مالکیت دولتی برابزار تولید، برنامه ریزی دقیق، وابستگی فرد و جامعه، اشکال مصرفی مبنایی و یا برداشته شده و غیره از دیدگاه سوسیالیسم به خودی خود واجد اهمیت نیستند و فقط برای نیل به مشخصات اصلی آن ضرورت دارند.

مقایسه و تالیف عمده دگرگونسازی با مشخصات اصلی سوسیالیسم این نکته را به تأکید می رساند که طرح پیشنهادی تغییرات درمناسبات اجتماعی به منظور استحکام بخشیدن سوسیالیسم است. اما این به خودی خود پیشرفت در راستای سوسیالیسم را تضمین نمی کند. رهگذری که در جاده نقشه گذاری نشده مسافرت می کند باید مدام برای پیدا کردن موقعیت خود، به تلب نا مراجعه کند. همانطور هم، دانش می باید دائما مسیر دگرگونسازی روابط اجتماعی را با معیار استحکام بخشی سوسیالیسم اندازه گیری کند تا اینکه درزمان مناسب خود جامعه را ازهرگرده انحرافات و دشواری هائی که درمس راه هستند آگاه سازد.

وظیفه عمده دانش اجتماعی، نه تنها ساختن استادانه مدل فلسفی جامعه سوسیالیستی، بلکه همچنین یک مدل سوسیالیستی - واقعی از - آن است تا بتواند به عنوان یک قطب نای غنلی برای اداره حکومت و اقتصاد استفاده کرد. این گونه مدل باید سیستم روابط اقتصادی - ساختار اجتماعی و سیستم نهادهای سیاسی سوسیالیسم (احتمالا با دربرداشتن چندین نموده) را به هم پیوند دهد. عدم چنین پیوندی، مغالطه و گمراهی را دربر

خواهد داشت.

تکامل آگاهی اجتماعی

چرا دگرگونسازی تغییرات درمدل ما
و مقصد ما را دنبال می کند؟
کلید عدالت اجتماعی در چیست؟

در مرحله اول، به دگرگونسازی وظیفه شتابان سازی رشد اجتماعی - اقتصادی کشور معول گردید. ابتدا این گونه فرض شد که پیشرفت باید در همان مسیر، اما با گام های تندتر انجام گیرد. و به زودی درک شد که صرفا ممکن اندازه گیری کمی برای این کار کنایت نمی کند.

در مرحله دوم، هدف این بود که مکانیسم داخلی اداره اقتصادی دگرگون شود تا بتوان چنان اصلاحاتی بوجود آورد که نه فقط سطح رشد تولید را شتابان سازد، بلکه اقتصاد را هم مدرن کرده و هم سطح رشد پیشرفت علمی - نهی را تامین کند تا از نقطه نظر اقتصادی موثرتر و انعطاف پذیرتر باشد. وظیفه عمده دگرگونسازی در اقتصاد، فعال کردن عامل انسانی با ازمیانه برداشتن بیگانگی زحمتکشانشان از وسایل تولید و محصول کاراست. این گامی پیشرو بود اما هنوز سمت و سوی کلی رشد جامعه زیر علامت سؤال قرار نداشت.

در مرحله سوم، ارتباط مابین اقتصاد و ساختار اجتماعی جامعه مطرح گردید. یعنی نه تنها اقتصاد، بلکه همچنین روابط اجتماعی می بایست نوسازی گردد و برطبق آن، اهداف دگرگونسازی به روش نوینی فرموله شدند که استحکام نوسازی و پاکیزگی سوسیالیسم و تکامل عدالت اجتماعی دراولویت قرار گرفتند. دراین ضمن، پیشرفت دگرگونسازی با مقاومت بعضی از نیروهای اجتماعی مواجه شد. آشکار گردید که مسائل حیاتی بدون دموکراتیزه کردن ریشه ای، قابل حل نیست. به نظر می نایل سرگویج گاراپانف، دگرگونسازی بالقوه تنها اصلاحات نیست، بلکه انقلابی اجتماعی است. مدلی که درپیش قرار داشت دیگر اصلاحات تدریجی این یا آن جنبه روابط اجتماعی نبود بلکه ساختمان سیستمی عمیق و اتمامی موثر بود.

مسئله مرکزی هر انقلابی، مسئله قدرت سیاسی است. در مورد ما، مسئله بازگشت از مدل انحصاری - دولتی و مطلق العنانی به راه ساختمان سوسیالیسم دموکراتیک بود. ترویج عدالت اجتماعی می باید یکی از نتایج اصلی اجتماعی آن باشد.

بنیاد اصلی سوسیالیستی آن از دو عنصر مرکب گردیده است.

- ۱- دادن فرصت آزادانه رشد و استفاده از استعداد هر عضو جامعه (از هرکس به اندازه استعدادش)؛
- ۲- تقسیم مزد عادلانه کار با در نظر

داعیت اندازه کاری که انجام داده و اثر بخشی نهایی آن (به هرکس به اندازه کارش).

چگونه می توان به بخش اول نائل آمد؟ اولاً، لازم است که امکانات تقریباً مساوی برای رشد کودکان و نوجوانان همه ملت ها، طبقات و قشرهای گوناگونی که در مناطق مختلف اتحاد شوروی چه در شهر و چه در روستا زندگی می کنند ایجاد کرد. ثانیاً، در انتخاب سیاست رشد و برگزیدن فاعلین، عدالت حکمروا باشد و مردم باید از تعلیم و تربیت متناسب، کارآموزی هنلی و حرفه ای و تخصصی و غیره برخوردار باشند. ثالثاً، همه گروههای مختلف زحمتکشانشان باید از امکانات واقعی کار برطبق استعداد خود بهره مند گردند تا اینکه قدرت را خود کامل تر به کار گیرند، ساعات کار خود را موثرتر بگذرانند، ابتکارات فنی و اقتصادی خود را ظاهر سازند و افکار خود را به فعلیت درآورند.

شورویب لازم واجب به توزیع مزد بر اساسی کار انجام شده

الف) تدارک اجتماعی عادلانه دستمزد برای بخش های بزرگی از زحمتکشانش (ارتباط متناسب بین درآمدهای انباشتی که در بخش های عمومی، کنترلیاتی و یا خصوصی اقتصاد کاری می کنند، و آنهایی که در تولید مادی شرکت دارند و یا در دافره خدمات هستند، کارگران کارهای بدنی و یا ذهنی، کارگران ماهر و یا غیرماهر، دارای کار سبک و یا سخت) در این باره نوعی سرگویی حکمفرماست که از عدالت در سیستم فنی دستمزد کار نمی توان سخن به میان آورد.

ب) لازم است که دستمزد اجتماعی عادلانه و مشوق برای کیفیت گوناگون کار در هر یک از طیف های زحمتکشانش که در بالا نام برده شد، تضمین گردد.

ج) تطابق قیمت خورده فروشی با ارزش اجتماعی کالا به این منظور که هرکس یا برآورده ساختن احتیاجات خود بتواند، محصولی از کار اجتماعی مساوی با بخشی از درآمد مصرف شده اش را بتواند به دست آورد. در غیراین صورت مرحله تبادل پول با کالا و یا خدمات به شکل توزیع مجدد درآمدما برمی گردد.

د) ظلمه براین گرایش که درآن وجود مصرف اجتماعی به صورت منبع درآمد انسانی برای گروه ممتازی درمی آید.

تذاتصلات و سکاها

سوپرست مرکز اتحادیه سراسری پژوهش افکار همومی و نماینده خلق اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

ترجمه از

گروه تحریریه بریتانیا

می گویند ... افراد سپاه مستقر در رودبار هیچ کاری انجام نمی دهند. آنها را فرستاده اند تا اگر مردم حیوان کنند برای سرکوشان وارد عمل شوند. آنها جز خوردن و خوابیدن و گشت زدن کاری ندارند.

در رابطه با درگیری دوپنجاه، انزلی از طرف قوه قضائیه رژیم که در آنجا رسوائی حالت، به حساب های خارج از کشور آیت الله اژه ای برسدگی شده است. یکی از این حسابها مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار موجودی را نشان می دهد.

در پی تلاش جناح تندرو برای مطرح کردن آیت الله منتظری، رسائی ما که خطر را احساس کرده بودند، به دست و پا افتادند و هیتی از آنان درد خامنه ای رفت تا تعیین تکلیف کنند.

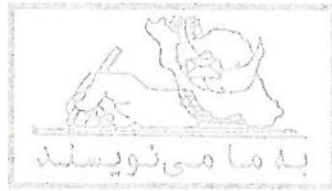
ملیایان از وابستگان حاج احمدشینی مدعا می یابند تومان رشوه از پولدارهای تهران در مقابل دادن پروانه های غیرمجاز ساختمانی گرفته است.

در جریان مذاکمه تورج منصور، مدیرعامل سابق شرکت "سایپا" و مسئولان شرکت "وداد"، نام عده ای از نمایندگان مجلس رژیم مطرح می شد که همه آنها آخوند بوده اند. محافظ قضایی رژیم از آنها خواسته بود تا در دادگاه حضور یابند، اما آنها با استفاده از صونیت پارلمانی حکم حاکم شرع را نادیده گرفتند.

جمهوری اسلامی از فرانسه تسلیحات جنگی خریداری کرده که در میان آنها هواپیماهای جنگی میراژ ۲۰۰۰ وجود دارد.

کنترل تلفن ها شدت یافته و بسا شیوه های مدرن تری انجام می گیرد.

در روزهای جنگ خلیج فارس، یک تیمسار از طرف ستاد فرماندهی کل قوا به دستور شورای امنیت ملی، مأمور آرایش قوای



ایرانی متشکر در مرزهای جنوبی کشور بود. واپسینه این تیمسار مراقبت از واحدهای سپاه پاسداران بود. ترس از آن بود که واحدهای سپاه به فتح مسلمانان عراق دست به حرکتی بزنند. دولت رقیبانی که قادر به کنترل سپاه نیست و از آن می ترسد، ارتشیان را مأمور مراقبت کرده بود.

اعتراض مسردم علیه رژیم شدت می یابد، می گویند که کامیوداران از حمل کالا از بندر عباس به خاطر ارزان بودن گرانه

شودداری کردند. این حمل باعث وقفه شدیدی در رساندن کالاهای ضروری گردید.

وسط روز ... وقتی اتوبوس ملو از جمعیت بوده، فریاد جوانی درازنامه پشت پا پیوسته که سیاست های رژیم را توجیه می کرد بلند شد. جوان باصبات زویه مردم کرد و گفت: "کجا این رژیم قابل دفاع است. رژیم که مردم را به خاک میاندشاند و قتل در فکر می یازد، بازار و تامین امنیت چاره آنهاست، تاکی باید این بدبختی را تحمل کرد."

در پی تصمیم رژیم مبنی بر واگذاری معادن به بخش خصوصی، عده کثیری از کارمندان وزارت معادن و فلزات و شرکت های وابسته، با خطر اخراج و بیکاری روبرو هستند. کارکنان و خانواده های آنان در ترس و ناامیدی بسر می برند.

درد ملی اسیر آزاده شده

در رابطه با طرح مشکلات مردم و اعتراض به سیاست های رژیم و از آنجمله "درباره اسیران جنگی" باید بگویم، همه ما در یک جهنم زندگی می کنیم، ولی درد اسیران آزاد شده چیز دیگری است. من یک ... که مدت ۷ سال در اسارت عراقی ها بوده ام. مردم محل ما، طوری به آدم نگاه می کنند که انکار آخوندها از آنها زده و به ما داده اند. آنها تصور می کنند آنچه که رژیم در تبلیغات خود مبنی بر رسیدگی به وضع مسکن و سایر مشکلات ما مطرح کرده، حقیقت دارد. خلاصه درد خودمان یک طرف و تصورات مردم محل که همه با مشکلات دست به گریبان هستند، طرف دیگر. آخوندها باید بگویند که در زندان های عراق چه بلایی بر سر بسیجی های دوجوان آمده و چند نفر از آنها مورد تجاوز قرار گرفته و خودکشی کرده اند. انسان شرم دارد که بگوید که این کودکان از تجاوز عراقی ها و خودبها در امان نبودند. هر دو رژیم، بی رحم و جنایتکار و متجاوز بوده و به فکر مردم نیستند. مگر در زمان فتح خرمشهر، صدام از روی ناچاری حاضر به صلح و پرداخت غرامت نبود و عربستان سعودی حاضر نشده بود خسارات وارده را به ایران به پردازد. چرا آخوندها به بهانه تصرف کربلا و رسیدن به قدس و عنوان کردن چنین شعارهایی وارد خاک عراق شدند و صدام را از بی آبرویی نجات دادند؟ از طرف دیگر، بعد از اینکه به ایران برگشتم، وضع سرمایه داران و تاجروهای بازار و دلال ها و نمایشگاههای اتومبیل را دیدم، و اینکه چگونه عده ای میلیاردر شده اند و مردم به جبهه رفته و عذاب و رنج دیده در چه فلاکتی زندگی می کنند، فهمیدم که چرا بازاربانان از ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر دفاع می کردند و به قول خودشان، "جهاد مالی" می کردند. بعد از چند ماه صلا بیکارم و به نان شب محتاج. برای بازگشتن به کار قبلی خودم تلاش زیاد کرده ام، اما هنوز نتیجه ای نگرفته ام. تازه اگر سرکارم بروم، با ۶ - ۵ هزار تومان حقوق کارمندی، چه خاکی می خواهم بر سر خود و همسر و فرزنداتم بریزم.

رفیق سید جواد بنی هاشمی در گسندشت

محل را تاسیس می کند. در جریان انتخابات بالاترین آرا را بدست آورد. و این برای آنانیکه خود را انقلابی معرفی کرده بودند گران آمد و چاره را در آن دیدند که بگویند انتخابات بایستی بعد از نماز صبر و عشا برگزار گردد و باوجود اینکه شورای مؤسس تعاونی انتخابات را تأیید می کرد، اعلام داشتند که انتخابات مردود است. مجددا در مرتبه دوم هم اکثریت

بی شک تاریخ هر خلقتی از قهرمانی ها، فداکاری ها، جانفشانی ها و از خودگذشتگی های فرزندان گمنامش سرشار است. و چه بیشمارند مبارزان گمنامی که در قروتنی، شجاعت، مقاومت، صبر و بردباری و ... نمونه و سرمشق دیگران شدند.

یکی از این گمنامان رفیق سید جواد بنی هاشمی بود که تا آخرین لحظات زندگی بی آلاشش، همچنان به حزبش وفادار ماند. رفیق بنی هاشمی در محل زندگی (پاچهی آباد) از اعتماد والایی در بین مردم برخوردار بود. در سال ۵۹ بدنبال رهنمود حزب مبنی بر برپایی تعاونی ها، با کمک ... تعاونی مصرف

آرا از آن رفیق شد. نقش رفیق در جریان پرورش و پس از تعیین میلت معرفی از سوی دادستانی در بالا بردن روحیه رفقا بسیار مؤثر بود. و از آنانی که تصمیم به معرفی گرفته بودند درخواست می کرد تا نام رفیقی را در پرشنامه هایشان بیاورند. و می گفت اگر مجبور شدید نام مسئولان را بنویسید، سعی کنید که نام مرا بنویسید نه کسی دیگر را.

یادش گرامی راهش پر رهرو باد!

در مصفونات مبارز

مبارزه چنانچه ادامه دارد

اشاعه پیدا کرده است. آنچه که در بیمارستان ها برخورد شده است ۴ هزار بیمار آلوده می باشد و اگر بررسی شود، این تعداد خیلی بیشتر است.

۱۴ نفر در اثر ابتلا به این بیماری ها فوت کرده اند. با توجه به اینکه جمعیت ساکن در این منطقه یک جمعیت شناور است، این احتمال وجود دارد که در صورت عدم حل مشکل بیماری نامبرده در سطح کشور اشاعه پیدا کند.

در توجیه استعفاء

فاضل همدانی در توجیه استعفاء خود چنین می گوید: باید بگویم که مدت ها بود به خاطر اجتهادات و خط بازی های بعضی از مسئولین استان صبر می کردم و دندان روی چگر می گذاشتم. اما با مشاهده توزیع ناعادلانه بودجه در استان همدان، تصمیم به کناره گیری و استعفا گرفتم.

وی افزود: در پایان دوره نمایندگی و در لحظات آخر می گویم وزیر کشور که بی احتیاطی به نام ها و پیام های نمایندگان است، فکر نکنند که پست و مقام ها آتش دمان سوزی است و اگر ایشان روز به روز بی احتیاطتر و بی توجه تر می گردد، مخصوصا با پیدا کردن قدرت بیشتری در رابطه با تمرکز نیروهای انتظامی، پداند که بالاتر از استثنای کاذب و ظاهری، استثنای طبع و پشت پا زدن به این پست است... بنده استعفا دادم و رتقم و از حرم نمایندگی دفاع کردم. اما دلم به حال شما عزیزان نماینده می سوزد که در این واپسین دوران نمایندگی با وضعیت حاکم بر وزارت کشور چه خواهید کرد؟ مخصوصا از آن نظر که ایشان اصلا به مجلس نمی آیند و نمایندگان را در جریان قرار نمی دهند که باید علاج واقعه پیش از وقوع کرد.

هدایت الله آقایی، نماینده در مجلس شورای اسلامی، آذری قمی را به تحریف گفته های خمینی متهم ساخت. در مبارزه ای که علیه دو جناح برسر انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی درگرفته، آذری قمی در خطبه های نمازجمعه نقل قولی از خمینی آورد که هدفش ایجاد مانع برسر راه ورود جناح مخالف به مجلس بود.

هدایت الله آقایی می گوید: در خطبه های نمازجمعه آذری قمی چند نکته قابل توجه بود: اول اینکه مطالبی را از قول حضرت امام عنوان نمودند که به هیچ وجه صحیح نبود. مثلا در انتقاد از طرح اصلاح قانون انتخابات گفتند که حضرت امام فرموده اند: "وسیت اینجانب به ملت در حال و آتی آن است که بااراده و مصمم تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و التزام عملی به جمهوری اسلامی را انتخاب کنند" این در حالی بود که قید التزام عملی در فرمایشات امام نبود.

هدایت الله آقایی در همین حال به طرفداران آذری قمی هشدار داد که اگر ناخواسته حامل اشاعه تنکرتی به نام اسلام و تقاضات دربار سرپایه داری آنهم از نوع ترون وسطانی که برای مردم هیچ نقشی قائل نبوده و دارای شاخص های خاصی است باشند، راه خطائی را پیموده اند.

آلودگی آب ساکنین را تهدید می کند

ارسلان صفائی نماینده در مجلس شورای اسلامی اعتراف کرد که آلودگی آب در منطقه هرب کشور زندگی ساکنین آن را تهدید می کند و به گفته وی پزشکان اعلام کرده اند که هپاتیت ویروسی توسط آب آلوده

پیروزی کمونیست ها در انتخابات نپال

سی سال پس از استقرار سلطنت استبدادی مطلقه در نپال، مبارزه نیروهای سیاسی اپوزیسیون در داخل کشور به ثمر نشست. برای نخستین بار انتخابات آزاد در این کشور به موقع اجرا گذارده شد. ۷۰ درصد از ۱۱ میلیون داریگان حق رای در انتخابات شرکت کردند. بیش از ۱۳۰۰ تن از ۲۰ حزب سیاسی خود را نامزد نمایندگی کرده بودند که فقط ۲۰۵ نفر از بین آنها می بایست انتخاب می شدند.



انتخابات به پایان رسید و نتایج قطعی آن هنوز انتشار نیافته است. اما، اخبار خبرگزاری ها حکایت از پیروزی بیسابقه حزب کمونیست در انتخابات می کند. طبق آخرین خبر حزب کمونیست متحد نپال پس از حزب کنگره نپال با ۶۸ نماینده مقام دوم را داراست.

در انتخابات شهر "کاتماندو"، ماهان باهانداری یکی از رهبران حزب کمونیست بر نخست وزیر موقت نپال از حزب کنگره پیروز شد و نخست وزیر پس از این شکست از مقام خود استعفا داد. بدون شک پیروزی کمونیست ها در نخستین انتخابات آزاد نپال تصادفی نبود. کمونیست ها سالیان دراز در این کشور استبدادزده زیر فشارهای شدید به مبارزه در راه منافع زحمتکشان و همه تعلق ادامه می دادند. ما این پیروزی را به کمونیست های نپال تبریک می گوئیم.

دعوت یورش به ...

صحنه اقتصادی برای کمیته به شمار می رود. سناتورپترولسکی این نظر را از لحاظ "تنوری" تکمیل کرد. به این گفته وی توجه کنید: "در مبارزه با کمونیست ها هیچ گونه مضل اخلاقی وجود ندارد. باید در همه جا و در هر قدم مبارزه کرد، تمقیب کرد و به مجازات رساند."

این فراخوان ها در کشوری پخش می شود که دولتمردانش خود را دمکرات و مدافع سرسخت حقوق بشر معرفی می کنند. البته برای ترساندن مترزمان به وضع ناامن اقتصادی - اجتماعی می توان با بهره گیری از ارگان های سرکوبگر به کمونیست کش پرداخت. اما، آیا بدینسان می توان از بن بست کنونی نجات یافت؟ اینکه آقای پترولسکی می گوید "درمبارزه با کمونیست ها هیچ گونه مضل اخلاقی وجود ندارد"، "استدلال" تازه ای نیست. مگر فاقیست های هیتلری جز این می گفتند؟ بهتر بود سناتور لهستانی اندکی در این باره می اندیشید. با دعوت یورش به کمونیست ها نمی توان مضلات عظیم اجتماعی - اقتصادی را حل کرد.

معامله پشت پرده



نماینده بیرجند با اشاره به معامله پشت پرده با آمریکا و انگلیس می گوید: "با صد افسوس و تاسف می شنوم، در این روزها چند بخشنامه مهم دولت آقای موسوی در مورد ممنوعیت خرید از آمریکا و انگلیس لغو می گردد. حال آنکه در آن بخشنامه ها پیش بینی شده بود که موارد ضروری اگر به نفع ملت اسلامی باشد با نظر و تأیید وزیر مسئول و یا هیئت وزیران قابل انجام است. لغو ممنوعیت خرید و آزادی معاملات تجاری - مالی با آمریکا چه لزومی دارد؟ کدام تحلیل ها، ضرورت ها و سیاست های غلط این ممنوعیت های سیاسی را... لغو می کنند؟ و برای نسل های بعد چه داریم که بگوئیم؟ تاسف از سیاست خارجی برای برقراری ارتباطات با دولت خائن المغربین میزبان آمریکای تجاوزکار و جنایتکار است، با حجب که امسال بین الجزایر آن راجحرم کرده اند. کدام تحلیل ها و علت ها، به آزادی جاسوس کهنه کارانگلیسی راجرکوبهر می انجامد؟ ضروری است ریشه های فراماسونرها در همه جای ایران ردیابی شود و در این مورد بسیار کم کار شده است.

يك تهربانی دیگر

راجیوگاندی هم تهربانی مبارزه احزاب برای قبضه کردن حاکمیت شد. مبارزه انتخاباتی کنونی در هندوستان بیشتر به جنگ واقعی میان احزاب مختلف شباهت دارد و طی آن بیش از هفتاد تن کشته و صدها نفر زخمی شده اند.

راجیوگاندی وقتی برای سخنرانی در يك میتینگ انتخاباتی از اتومبیل پیاده می شد، تهربانی توطئه تروریستی از قبل آماده شده، گردید. اخبار خبرگزاری ها حاکی از کشته شدن بیش از ۱۵ نفر از همراهمان وی نیز در جریان انفجار پمپ است.



شاید بزرگ ترور راجیوگاندی همه طرفداران دموکراسی و آزادی را متاثر ساخته است. ما، ایرانیان این جنایت آشکار، به سنن دموکراتیک در هندوستان که از جانب بنیادگرایان شورونگست تهدید می شود، پایان ندهد. ما، این جنایت خونین را شدیداً مسکوم می کنیم!

دکتر غلامحسین صدیق در گذشت

با کمال تأسف و تألم خبردار شدیم که در ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ دکتر غلامحسین صدیقی، یکی از شخصیت های بزرگ سیاسی و فرهنگی ایران و همکار نزدیک دکتر مصدق در دوران ملی کردن صنایع نفت درگذشت. دکتر صدیقی وظایف مهمی در کابینه دکتر مصدق به عهده داشت. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد به زندان افتاد و بعد از آزادی به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت.

استاد صدیقی که در رشته جامعه شناسی تدریس می کرد، نسلی از جوانان ایرانی را با این دانش معاصر آشنا ساخت.

ما این ضایعه بزرگ را به مردم ایران، به خانواده شادروان دکتر غلامحسین صدیقی و به هیئت اجرایی جنبه ملی ایران تسلیت می گوئیم.

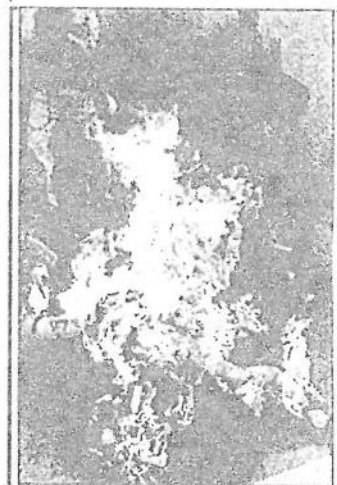
کمیته مرکزی حزب توده ایران

علی خاوری

تظاهرات توده ای

مبارزه مخالفان رژیم دیکتاتوری حاکم بر کره جنوبی که سالهاست بدون وقفه ادامه دارد، در سه هفته اخیر اوج تازه ای گرفته است. صدها هزار نفر از مخالفان رژیم و در جمله نخست دانشجویان و کارگران در شهرهای بزرگ در نبرد با پلیس مجرمانه دیکتاتور کره جنوبی شرکت دارند. تظاهرات کنندگان خواهان استعفای "روتانه وو" رئیس جمهور و دولت وی هستند.

در جریان تظاهرات برای دموکراتیزه کردن جامعه عده زیادی کشته و زخمی شده اند و تاکنون ۷ نفر به نشانه اعتراض به رژیم



این زن به دشمنه اعتراض به رژیم خودکامه خود را آتش زد

دیکتاتوری به خودسوزی دست زده اند. خراطینان می سازم که کره جنوبی از متحدان نزدیک واشنگتن بشمار می رود و بیش از ۴۰ هزار تن از نیروهای مسلح آمریکا در این کشور دیکتاتورزده مستقر هستند.

ما، جنایت رژیم کره جنوبی علیه مبارزان راه آزادی را شدیداً مسکوم می کنیم.

دعوت یورش به کمونیست ها ...

تهدید و خرابی وضع اقتصادی - اجتماعی در لیستان، توده های زحمتکش شهر و روستا را به حرکت در می آورد. تظاهرات و اعتصابات ها يك امر عادی است. نیروهای سیاسی جدیدی که روی موج مبارزه مردم در راه آزادی و عدالت اجتماعی اداره امور کشور را به دست گرفته اند و وعده بهبود شرایط زندگی را به مردم داده بودند، اینک با درپوش گرفتن راه رشد سرمایه داری، هزاران انسان را بیکار کرده و فقر و بی خانمانی را گسترشی می دهند.

خوبی است، وقتی رژیم هایی که با شمارهای دموکراتیک برسرکار آمده اند قادر به شکی بپوشدن به وعده های خود نیستند، از شیوه های دیکتاتوری بهره می گیرند. مسائل سیاسی با نفوذ جدید با طرح شمارهای کمونیسم ستیزی و مبارزه علیه کمونیست ها که تنها به تدریج چهره ضد دموکراتیک خود را نشان می دهند، بلکه می خواهند بدینسان پرده بر روی مشکلات اجتماعی - اقتصادی بکشند. تصمیم سازمان سیاسی و انقلابی "کمیته نیرومندان لیستان"، که در گذشته با حرکت والسا بوجود آمده، بیانگر این حقیقت است.

ژنرال سلوانویدر صدر این سازمان در یکی از آخرین جلسات آن آشکارا گفت که "رسیدن به حساب کمونیست ها عرصه بسیار جذاب فعالیت در مقایسه با فعالیت در ... ادامه در ص ۷"

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است!

رفیقی از بلژیک	۲۰۸	دلار
... از بلژیک	۱۰۰	فرانک سوئیس
... از بلژیک	۲۰۰	فرانک فرانسه

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 350

May 28 1991



ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

پست ۲۰ ریال

P.O. Box 148, North Bergen, N. J. 07047